

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

برگرفته از: نیو ایسترن آوتلوک  
نویسنده: محمد لامین کابا  
برگردان: م. قربانی  
۲۶ مارچ ۲۰۲۵

## اتحادیه اروپایی با درماندگی ناظر پایان یافتن مناقشه اوکراین از سوی روسیه و امریکا است



در حالی که امریکا و روسیه، دو ابرقدرت رقیب تاریخی، موفق می‌شوند بر سر یک میز در ریاض به مذاکره بنشینند تا راه‌حلی برای مناقشه اوکراین بیابند، اروپایی‌هایی که در پاریس و سپس لندن گردهم آمدند، هنوز گرفتار موضع جنگ‌طلبانه خود هستند.

اتحادیه اروپایی در مواجهه با بحران اوکراین خود را در موقعیت عقب‌نشینی می‌بیند، در حالی که امریکا و روسیه برای مذاکره و تصمیم‌گیری در مورد پایان درگیری به یکدیگر نزدیک می‌شوند. اتحادیه اروپایی، علی‌رغم نزدیکی جغرافیایی و مناسبات اقتصادی با اوکراین، تلاش می‌کند تا خود را به عنوان طرف مذاکره و مخاطب ستراتیژیک معرفی کند. این امر محدودیت‌های سیاست خارجی مشترک و ناتوانی آن‌را در اتحاد پیرامون یک صدای واحد در مورد موضوعات ستراتیژیک حیاتی نشان می‌دهد. این وضعیت با وابستگی مضاعف به روسیه و ایالات متحده تشدید می‌شود. این شکل از وابستگی موقعیت آن‌را تضعیف می‌کند و اختلافات درونی آن‌را در معرض دید عموم قرار می‌دهد. اختلاف منافع میان کشورهای عضو، یعنی بین آن‌هایی که طرفدار رویکرد سختگیرانه در قبال روسیه هستند (مانند فرانسه)، و آن‌هایی که مایل به حفظ منافع اقتصادی هستند (مانند هنگری)، اتحادیه اروپایی را از اتخاذ یک ستراتیژی منسجم و تأثیرگذار باز می‌دارد. به حاشیه راندن آن در این زمینه سوالات اساسی در مورد نقش آن در نظم

جهانی ایجاد می‌کند. از این منظر است که به تماشای فرسایش نفوذ خود تبدیل شده است. این امر مؤید وابستگی و تبعیت آن نسبت به امریکا است. در حالی که تر کیسینجر در مورد ماهیت ناپایدار اتحاد با امریکا که «دشمنی با امریکا خطرناک است، اما دوستی با امریکا مرگبار است» تأیید می‌شود، به نظر می‌رسد نخبگان زبان‌باز اتحادیه اروپائی تمام تصور خود را از موازنه‌های ژئوپلیتیکی از دست داده اند. این نقیض‌گویان نخبه که شهروندانشان را در انبوهی از دروغ و فریب غرق می‌کنند، نه در سرزمین خود محبوبیت دارند و نه در خارج از آن.

«اتحادیه اروپا برای جلوگیری از یک خودکشی دسته‌جمعی، باید در ستراتیژی فعلی خود به سود راه‌های حل مسالمت‌آمیز، که برای آینده اروپا و همکاری آن با بقیه جهان حیاتی است، تجدیدنظر کند.»

### نتایج اجلاس سران اتحادیه اروپائی در لندن در مورد امنیت اوکراین چه بود؟

در حالی که زلنسکی و ترمپ اخیراً در ۲۸ فیرووری در کاخ سفید با یک دیگر پرخاش و ستیز داشتند، ۱۱ عضو از ۲۷ عضو اتحادیه اروپائی (که به نظر نمی‌رسد از این ماجرا درس گرفته باشند) در اجلاسی در لندن در دوم ماه مارچ، به طور فعال با کانادا، ناروی و ترکیه همداستان شدند تا سوگند نفرت خود نسبت به روسیه را تجدید کنند. در همین حال، ۱۶ عضو دیگر به دلیل اختلاف ستراتیژیک با دستورکار اجلاس سران، رأی ممتنع دادند یا کنار گذاشته شدند.

در این اجلاس، شکاف محسوسی وجود داشت که بیانگر فقدان انسجام و نگاه مشترک در درون سازمان بود. عدم مشارکت برخی از اعضاء – شبیه حذف – فقط برای برجسته کردن این شکاف مفید بود. اتحادیه اروپائی با تمرکز بیش از حد بر درگیری با روسیه، تحریم‌های اقتصادی معکوس ایجاد کرده و اقتصادهای اروپائی را که در حال حاضر در بحران عمیق قرار دارند، بدون این‌که واقعاً به رقیب خود آسیب برساند، تضعیف می‌کند.

این سیاست رویارویی نه تنها درگیری در اوکراین را تشدید کرده است، بلکه خطر شعله‌ور شدن جنگی بزرگتر را نیز در پی دارد. هشدارهای ترمپ به زلنسکی (طی داد و ببدا در دفتر بیضی) در مورد خطرات جنگ جهانی سوم، بی‌اساس نیست. اتحادیه اروپائی با اصرار بر تسلیح اوکراین، در حالی که روسیه را تحریم می‌کند، مسیر خطرناکی را در پیش گرفته است. تلاش‌های آن برای از بین بردن قدرت روسیه بی‌اثر بوده و تنها به تعمیق شکاف میان خودش انجامیده است. اتحادیه اروپائی برای اجتناب از نابودی خود و در واقع یک خودکشی دسته‌جمعی، باید در ستراتیژی فعلی خود به سود راه‌های حل مسالمت‌آمیز، که برای آینده اروپا و همکاری آن با بقیه جهان حیاتی است، تجدیدنظر کند.

لذا، کنفرانس امنیتی مونیخ در ۱۴ تا ۱۶ فیرووری، به دنبال آن اجلاس پاریس در ۱۷ فیرووری و اجلاس سران در لندن در ۲ مارچ، بدعهدی و نوکرمایی اتحادیه اروپائی را برجسته می‌کند. همزمان، هنگری نقش مهمی در بازدارندگی پیش‌نویس سند در مورد ضمانت‌های امنیتی و کمک‌های نظامی جدید به اوکراین در جلسه سفرای اتحادیه اروپائی در ۲۸ فیرووری داشت که با مشاجره شدید بین زلنسکی، ترمپ و ونس نشان داده شد.

### کنار کشیدن اتحادیه اروپائی در بحران اوکراین: در بازی بزرگ ژئوپلیتیکی بازیگری وجود ندارد!

در بحران اوکراین، اتحادیه اروپائی نقش متناقضی ایفاء می‌کند. ظاهراً، نه به عنوان یک بازیگر دست دوم، بلکه به عنوان یک بازیگر بدون مسؤولیت در صحنه شطرنج ژئوپلیتیک، علی‌رغم روابط نزدیک با اوکراین از طریق توافق‌نامه همکاری که پس از میدان در سال ۲۰۱۴ به امضاء رسید. در حالی که امریکا و روسیه مذاکرات ستراتیژیک

نظامی و اقتصادی دارند، اکنون اتحادیه اروپائی با آن که می‌تواند از جایگاهی بهتر و شایسته برخوردار باشد، به شرایط موجود رضایت داده است، ولی به دلیل فقدان انسجام و پاسخگویی به حاشیه رانده شده است.

در حاشیه ماندن اتحادیه اروپائی، ناشی از اختلافات داخلی بین کشورهای طرفدار موضع سخت علیه مسکو (با شرکت در اجلاس ۲ مارچ در باره امنیت اوکراین در لندن) و طرفداران حفاظت از روابط اقتصادی (عدم شرکت در اجلاس دوم مارچ در لندن) است. این اختلافات نه تنها ظرفیت اتحادیه اروپائی را برای اقدام مؤثر کاهش می‌دهد بلکه این اختلافات ظرفیت اتحادیه را برای اقدام مؤثر از بین می‌برد. این چندپارگی داخلی، چهره‌ای انفعالی و واکنشی، نه فعال، از اتحادیه اروپائی ترسیم می‌کند. آن‌ها بدون ستراتیژی روشن، بین حمایت از اوکراین و ترس از تشدید تنش با روسیه حرکت می‌کنند. این امر اعتبار ژئوپلیتیکی آن‌را تضعیف می‌کند و نخبگان ضعیف را در برابر مسئولیت تاریخی‌شان پاسخگو می‌سازد. علاوه بر این، وابستگی نظامی به ناتو کمبود آن‌را در ابزارهای نظامی و دیپلماتیک برجسته می‌کند و نفوذ ستراتیژیک آن‌را محدود می‌کند. بنابر این، بحران کنونی دشواری‌های ساختاری پیش روی اتحادیه اروپائی را به عنوان یک قدرت جهانی مطرح می‌کند. نخبگان حلقه‌های قدرت بلوک جنگ‌افروز اروپا، که به خاطر نفرت از روسیه کور شده اند، در میان تعجب و حیرت، متأسفانه به فکر ریختن نفت بر روی آتش هستند و متأسفانه بر این باور هستند که می‌توانند مانع از مذاکره واشینگتن و مسکو در مورد مسأله اوکراین شوند. این تلاشی بیهود است، زیرا شانزدهمین کنفرانس امنیتی مونیخ که بدون خونریزی و در قالبی متفاوت از ۱۴ تا ۱۶ فیبروری امسال برگزار شد و به دنبال آن چیزی که آن‌ها (اروپائی‌ها) به طور شرم‌آوری اجلاس بحران پاریس در ۱۷ فیبروری می‌نامند، هنوز تمام اسرار تکان‌دهنده خود را فاش نکرده است.

### وابستگی ستراتیژیک اتحادیه اروپا: بین شکاف‌های داخلی و ضعف‌های ساختاری

بحران عمیق اقتصادی و قطبی شدن اتحادیه اروپائی، مانند آسیب‌پذیری ساختاری بحران اوکراین، از جمله وابستگی ستراتیژیک و شکاف‌های داخلی آن‌را برجسته کرده است.

اتحادیه اروپائی، از نظر انرژی، از وابستگی بیش از حد به روسیه رنج می‌برد. باید گفت که این وابستگی آشکار بر سیاست خارجی آن اثر می‌گذارد و اعتبار ژئوپلیتیکی آن‌را تضعیف می‌کند. تلاش برای تنوع بخشیدن به منابع عرضه و تسریع در تحول اکولوژیکی، در حالی که نتوانسته است به نتایج مورد نظر دست یابد، به شکاف و قطبی شدن اجتماعی منجر شده است.

از نظر سیاست امنیتی، وابستگی به ناتو، و در نتیجه امریکا، محدودیت‌های خودمختاری نظامی اروپا را به نمایش می‌گذارد. این محدودیت‌ها با ناتوانی اتحادیه اروپائی در واکنش هماهنگ به بحران نشان داده می‌شوند و ابتکار عمل را به واشینگتن می‌دهد.

لذا، تفاوت عمیق بین کشورهای عضو، که با رویکردهای ناهماهنگ به روسیه و اوکراین نشان داده شده است، توانائی اتحادیه اروپائی را برای تدوین یک پاسخ واحد به خطر می‌اندازد. این امر موقعیت آن‌را در صحنه بین‌المللی تضعیف می‌کند. اروپائی‌ها به ابتکار ماکرون، به جای تمرکز بر تقویت انسجام داخلی و کاهش وابستگی‌های ستراتیژیک برای تغییر موقعیت خود به عنوان یک بازیگر اصلی و مستقل در سطح ژئوپلیتیک، برای اتخاذ موضعی جنگ‌طلبانه در پاریس جمع می‌شوند، خطری که آن‌ها را به سوی خودکشی جمعی سوق می‌دهد. با این حال، تمام هدف مبارزه غمانگیز ماکرون، انتقام از دست دادن نفوذ فرانسه در افریقا، آسیا و امریکای لاتین است که وی آن‌را به روسیه نسبت می‌دهد. چیزی که هنوز سایر اعضای نادیده می‌گیرند و اجازه می‌دهند به این ماجراجویی کشیده شوند.

به حاشیه رانده شدن اتحادیه اروپایی، آینده آن را زیر سؤال می‌برد: در مسیر تعیین سرنوشت یا افول ژئوپلیتیک؟ غیبت اتحادیه اروپایی در مذاکرات (روسیه - ایالات متحده) درباره بحران اوکراین، پرسش‌های عمیقی را مورد موقعیت ژئوپلیتیک آینده مطرح می‌کند.

اتحادیه اروپایی درحالی‌که جاه‌طلبی خود را در صفحه شطرنج جهانی نشان می‌دهد، با محدودیت‌های ساختاری در سیاست خارجی و دفاعی خود مواجه است، هنوز برای امنیت خود تا حد زیادی به امریکا وابسته است. این بحران شکاف داخلی در مورد مسایل کلیدی ستراتیژیک را آشکار کرده است. این شکاف اعتبار آن را به عنوان یک قدرت جهانی در برابر قاطعیت امریکا و روسیه از بین می‌برد. اتحادیه اروپایی تحت هدایت رهبرانی که قادر به غلبه بر این نقاط ضعف نیستند، نفوذ خود را کاهش می‌دهد و نقش خود را به بازیگری ناموجود در چارچوب رقابت بین قدرت‌های بزرگ تنزل می‌دهد.

این سؤال نشان دهنده یک لحظه حیاتی برای آینده اتحادیه اروپایی است: اتحادیه اروپایی باید بین افول ژئوپلیتیک یا نوزائی ستراتیژیک یکی را انتخاب کند، و بدین ترتیب موقعیت خود را در صحنه بین‌المللی در قرن بیست‌ویکم تعیین کند. این تصور وجود دارد که عوارض یا سندروم کنفرانس برلین (۱۸۸۴-۱۸۸۵) به طور معکوس بر مبتکر آن در سال ۲۰۲۵، یعنی اروپای استعمارگر نیز تأثیر می‌گذارد.

در حالی‌که جهان به پیشروی خود ادامه می‌دهد، نخبگان اروپایی همچنان با ظرافت به روی بند نازکی از بلا تکلیفی میان اعلامیه‌های رسمی و موقر و اقدامات بزدلانه حرکت می‌کنند. در ضمن، آفرین بر شما برای اجرای این نمایش: اجرائی استادانه از هنر ماندن در پشت صحنه، در حالی‌که از وحدت صحبت می‌کنید. این نمایشی است، که هم تراژیک است و هم کمدی. نمایشی که در آن، هنر اجماع به هنر انفعال تبدیل می‌شود.

۹ مارچ ۲۰۲۵